

فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی

سال سیزدهم شماره ۴۹ بهار ۱۳۹۷

**رابطه علی خشونت خانوادگی (خشونت فیزیکی و خشونت عاطفی) و
متغیرهای اجتماعی (ساختار محله و مشارکت مدرسه) با رفتار
ضداجتماعی نوجوانان پسر کانون اصلاح و تربیت با میانجی‌گری
تکانشگری، خودمهارگری و جسارت**

زینت مهدیانی^۱

فاطمه فرزادی^۲

حمید فرامرزی^۳

چکیده

هدف این تحقیق، بررسی رابطه علی خشونت خانوادگی (خشونت فیزیکی و عاطفی) و متغیر اجتماعی (ساختار محله و مشارکت مدرسه) با رفتار ضداجتماعی نوجوانان پسر کانون اصلاح تربیت شهر اهواز و کارون با میانجی‌گری تکانشگری، خودمهارگری و جسارت بود. نتایج پژوهش با روش معادلات ساختاری تحلیل شدند. جامعه آماری این پژوهش تمام پسران موجود در کانون اصلاح و تربیت شهر اهواز و کارون بود. از این جامعه تعداد ۱۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. از شرکت‌کنندگان خواسته شد که پرسشنامه کودک آزاری (CTQ) برنستاین، سیاهه رفتار ضداجتماعی، وازرونی و همکاران، مقیاس خودمهارگری تانجینی و بامیستر، سیاهه محیط مدرسه و کلاس درس، آلفرد، مروین و رابرت، مقیاس تکانشگری بارات (BIS-11) پاتون و استنفورد و مقیاس ساختار محله، فریاس-آرمنتا، لویز-اسکوبار و دیاز مندز و مقیاس تنوع کودک و نوجوان (SDCA) لاهی و همکاران را

۱- کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز

۲- دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول)

Email: fatemehfarzdi@ymaio.com

۳- مدرس دانشگاه پیام نور خرم آباد

تکمیل نمایند. نتایج پژوهش نشان داد که، خشونت خانوادگی و متغیرهای اجتماعی محله و مدرسه دارای اثر مستقیم بر رفتار ضداجتماعی بودند. همچنین متغیرهای فردی تکانشگری، جسارت و خود مهارگری نیز رابطه معنی‌دار با رفتار ضداجتماعی داشتند. اما خودمهارگری و تکانشگری با ساختار محله رابطه نداشتند.

واژگان کلیدی: خشونت خانوادگی؛ ساختار محله؛ تکانشگری؛ جسارت؛ خودمهارگری؛ نوجوان

مقدمه

نوجوانی یک مرحله منحصر به فرد از توسعه انسانی با ویژگی‌های خاص است، به زعم صاحب‌نظران، در این دوران، نوجوان به‌دنبال کسب هویتی مستقل است. این مقطع از زندگی، دوران تغییرات جسمانی، جنسی، روانی و شناختی و نیز تغییر در الزامات اجتماعی است. زمانی که افراد نه تنها تلاش می‌کنند تا با محیط سازگار شوند و به تعادل برسند، جامعه نیز از فرد انتظار دارد که مستقل باشد، روابطش را با همسالان و بزرگسالان تغییر دهد که مسلماً رفتارهای ضداجتماعی در این دوران، همراه با این پیچیدگی‌ها وجود دارد (موتیرا، مورگادو و لوز واله-دیاس^۱، ۲۰۱۶). رفتارهای بزهکارانه^۲ و ضداجتماعی^۳ در هر جامعه‌ای وجود دارد و افراد بزهکار و شخصیت‌های ضداجتماعی دامنه وسیعی از رفتارهای آسیب رسان شامل قانون‌شکنی‌ها، زیر پا گذاشتن نظم اجتماعی، تجاوز به حقوق دیگران، پرخاشگری، سرکشی در مقابل مراجع رسمی قدرت، مشاجره لفظی، نزاع و اخلال در نظم عمومی، آسیب به امکانات عمومی، دزدی، فریبکاری، دروغ‌گویی، بی‌احتیاطی نسبت به ایمنی خود و دیگران، عدم احساس مسئولیت و فقدان احساس پشیمانی را نشان می‌دهند. آسیب‌های وارده ناشی از این رفتارها بر سیستم جامعه، مدیریت اجتماعی، خانواده‌ها، شهروندان، امکانات دولتی و خود این افراد قابل توجه است (خادمی و سیف، ۱۳۹۰).

1- Murteira Morgadoa & Maria da Luz Vale-Dias 2- delinquent behavior
3- antisocial

رفتارهای ضداجتماعی به‌عنوان رفتارهایی که هنجارهای اجتماعی و حقوق دیگران را نقض می‌کند تعریف می‌شوند (بورت^۱، ۲۰۱۲). این مشکل در دوره نوجوانی بسیار مهم بوده و آسیب‌های شخصی و اجتماعی را سبب می‌شود. نوجوانانی که در رفتارهای ضد اجتماعی شرکت می‌کنند، فرصت‌های آموزشی و اشتغال را به میزان قابل توجهی از دست می‌دهند که پیامدهای جسمی، روحی، احساسی و اقتصادی زیادی را نیز باید تحمل کنند. در حوزه اجتماعی، این مشکلات مقدار زیادی از منابع و فرصت‌های مربوط به سلامت روان و عدالت آموزشی را هدر می‌دهد (سایور، بوردین و دوپ^۲، ۲۰۱۵). از دیدگاه جامعه‌شناسی انحرافات، انحراف اجتماعی به دو طبقه بزهکاری و جرم قابل تقسیم است. گفتنی است این نوع طبقه‌بندی نه بر حسب نوع و شدت رفتار انحرافی، بلکه بر اساس سن افراد در هنگام ارتکاب چنین اعمالی است. بنابراین اگر رفتار انحرافی توسط بزرگسالان صورت گرفته باشد، آن را جرم می‌نامند و در صورتی که توسط نوجوانان و جوانان انجام شده باشد، به‌عنوان بزهکاری محسوب می‌شود (بیرامی، هاشمی، فتحی‌آذر و علائی، ۱۳۹۴). جرم و بزهکاری، به تمام رفتارهای ممنوعه در قانون اشاره دارد و بزهکاران نوجوان، کسانی هستند که زیر سن قانونی مرتکب اقدامات نقض قانون می‌شوند (بورفیلد و جگلوبوم^۳، ۲۰۰۶). از سوی دیگر رفتار ضداجتماعی می‌تواند به‌عنوان تمایل به تعامل با رفتار ضداجتماعی و بزهکاری تعریف شود که نشان می‌دهد ضداجتماعی بودن، ویژگی فردی است که احتمال رفتارهای غیرانسانی را افزایش می‌دهد. تعدادی از چهار چوب‌های نظری در تلاش برای درک عوامل موثر بر فعالیت‌های ضداجتماعی در جوانان و نوجوانان مورد توجه قرار گرفته‌اند که می‌توان آنها را به دو طبقه محیط اجتماعی و شخصی تقسیم کرد. گنجاندن عوامل دوجانبه محیط و شخص در مدل‌های توضیح رفتار انسانی، یکی از ویژگی‌های مهم نظریه سیستمی^۴ است. نظریه سیستمی، یک چهارچوب نظری جامع است که بر ارتباط بین افراد و محیط متمرکز است. در این دیدگاه، رفتار بیش از مجموعه عناصر در هم است که هر اقدام به‌عنوان

1- Burt

3- Burfeind & Jeglum

2- Sawyer, Borduin & Dopp

4- Systems Theory (ST)

علت‌های مختلف رفتار دیگری درک شده است. برای مثال اشخاص می‌توانند به‌طور همزمان هم محیط خود را بازسازی کنند و هم تحت تأثیر شرایط محیط قرار بگیرند. (فورد و لرنر^۱، ۱۹۹۲).

بنابراین نظریه سیستمی، یک رویکرد فراگیر و قدرتمند برای مطالعه هر نمونه از رفتار انسان به‌خصوص رفتار ضداجتماعی و جنایی است. یکی دیگر از نظریه‌های جامع، در راستای توضیح رفتار انسان با چشم‌انداز محیطی، نظریه اکولوژیک برون فن بئر^۲ (۱۹۸۷) است. این مدل محیط را به‌عنوان مجموعه‌ای از ساختارها با سطوح پیچیدگی مختلف تشکیل می‌دهد که هر ساختار از ساختار بعدی پیچیدگی بیشتری دارد و رشد کودک نتیجه روابط بین این سازه‌ها یا سیستم‌هاست. اولین و اساسی‌ترین سیستم که کودک با آن تماس مستقیم دارد، میکروسیستم است که شامل خانواده، مدرسه و محله است. مزوسیستم، نشان‌دهنده روابط بین میکروسیستم‌هاست. اکوسیستم، سیستم اجتماعی بزرگ‌تری است که فرد در حال رشد را شامل نمی‌شود اما بر تجربه‌های او تأثیر می‌گذارد مانند ساختارهای مذهبی. در حالی که ماکروسیستم، شامل فرهنگ، آداب و رسوم و قوانین است. در این تئوری، همه سیستم‌ها به‌طور مستقیم رفتار کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بنابراین، رفتار ضداجتماعی می‌تواند به‌طور مشابه بر اساس متغیرهای شخصی و سیستم‌های محیطی آن‌ها مدل‌سازی شود (فریاس - آرمنتا و کورال - وردوج^۳، ۲۰۰۳). بروز رفتارهای ضداجتماعی در بین نوجوانان در طی سال‌های اخیر روندی صعودی داشته است، مروری بر مطالعه‌های سایر کشورها نشان می‌دهد که شیوع رفتارهای ضداجتماعی و بزهکارانه درمیان کودکان و نوجوانان مکزیک سال ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۱۳ به میزان ۲۶٪ روندی صعودی داشته است (فریاس - آرمنتا و کورال - وردوج، ۲۰۰۳).

بنابراین با توجه به پیچیدگی رفتارهای ضداجتماعی و بزهکارانه نوجوانان و تبعات زیاد این رفتار لازم است عوامل‌های زیربنایی این رفتار بررسی شود. محیط خانوادگی و محیط محله، بعضی از عوامل محیطی در تبیین رفتار ضداجتماعی در جوانان هستند.

1- Ford & Lerner

2- Bronfenbrenner's

3- Frías-Armenta & Corral-Verdugo

محلها به اشکال مختلفی بر سلامت جسمانی و سلامت روانی افراد تأثیر می‌گذارند (اکامپو، سالمون و بروکه^۱، ۲۰۰۹). به طوری که محیط‌های فیزیکی و ساخته شده محله همچون حاشیه‌نشینی، فقر فرهنگی، مهاجرت به مناطق محروم مستقیماً می‌تواند سلامت ساکنان آن را تحت تأثیر قرار دهد که بخصوص بر روی رفتار نوجوان در حال رشد موثرتر است (ون، فان، جین و وانگ^۲، ۲۰۱۰). تحقیقات انجام شده در روسیه، لهستان، آلمان، بلغارستان، جمهوری چک و یونان در دانش‌آموزان ابتدایی نشان می‌دهد که میزان مشارکت در انواع جرایم و فعالیت‌های ضد اجتماعی به عوامل فرهنگی و همچنین تجربه شخصی افراد با خانواده بستگی دارد (بوهنکه، برگ و وینکلز^۳، ۲۰۰۲). ترنتاکوستا، هاید، شاو و چئونگ^۴ (۲۰۰۹) در بررسی خود تحت عنوان محیط محله و همسایگان و دانش‌والدین در تبیین رفتارهای ضد اجتماعی نوجوانان به این نتیجه رسیدند که رابطه مثبت معنی‌دار و افزایشی بین فرزندپروری، جسارت و عاطفه منفی وجود دارد. همچنین اکامپو و همکاران (۲۰۱۵) نشان دادند که بین متغیرهای زمینه‌ای و عوامل سطح محله با رفتارهای ضد اجتماعی رابطه وجود دارد. نتایج این پژوهش نشان داد مهاجرت، درآمد پایین ساکنان محله با بروز رفتارهای پرخطر ارتباط دارد. شیعه، زرآبادی و یزدان پناهی (۱۳۹۲) به بررسی عوامل تأثیرگذار بر سلامت افراد در مقیاس محله‌ای و نحوه تأثیر ویژگی‌های کالبدی و کیفیت محیط بر سلامت افراد پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که شاخص‌های اجتماعی و کالبدی چون احساس تعلق به محیط محله و روابط اجتماعی، میزان مشارکت در امور محله و احساس ایمنی و امنیت در محیط مسکونی و تسهیلات محله می‌تواند از عوامل تأثیرگذار بر سلامت رفتار افراد باشد. همچنین آقایی، عباس‌زاده و گراوند (۱۳۹۵) نیز نشان دادند که شرایط اجتماعی مساعد در سطح محله به شکل معناداری بر سلامت روانی افراد بخصوص نوجوانان اثر مثبت دارد. سالوی، فدا، اپستین و رومنیچ^۵ (۲۰۱۷) در پژوهش خود نشان دادند که چهارچوب اجتماعی می‌تواند رابطه بین ایمنی محل زندگی و فعالیت‌های نوجوانان را تعدیل کند. همچنین فراوانی تعاملات همکار/دوست، فعالیت‌های

1- O'Campo, Salmon & Burke

3- Boehnke & Bergs-Winkels

5- Salvy, Feda, Epstein & Roemmich

2- Wen, Fan, Jin & Wang

4- Trentacosta, Hyde, Shaw, and Cheong

جسمانی رابطه بین ایمنی محله و فعالیت‌های ضداجتماعی را تعدیل می‌کرد. ترنتاکوستا و همکاران (۲۰۰۹) نیز نشان دادند که دانش و نوع برخورد والدین با نوجوان می‌تواند پیشگویی کلیدی برای کاهش رفتارهای ضداجتماعی باشد والدین می‌توانند با هدایت ریسک‌پذیری نوجوان به سمت فعالیت‌های ورزشی و اجتماعی از وقع جرایم در محله‌های فقیرنشین و جرم‌ساز پیشگیری کنند.

متغیر اجتماعی دیگر، محیط مدرسه است. مشارکت مدرسه^۱ می‌تواند به‌عنوان مشارکت کودکان در مدرسه بیان شود و اصطلاحی است که به شیوه‌های گوناگونی تعریف شده است که به شکل تعهد، درگیری در امور مدرسه و انگیزه یادگیری و دستیابی به تحصیل را دارند (فرباس-آرمتا و کورال-وردوج، ۲۰۱۳). مشارکت مدرسه اغلب به‌عنوان یکی از جنبه‌های پیوند مدرسه در نظر گرفته می‌شود که دارای ابعاد انگیزشی، رفتاری، عاطفی و شناختی می‌باشد (سیمونس-مورتون و چن^۲، ۲۰۰۹). مشارکت مدرسه به عوامل محیطی از جمله محیط مدرسه، محیط کلاس درس، روابط اجتماعی با همسالان و معلمان (سیرین و روگر سیرین^۳، ۲۰۰۴)، جو مدرسه^۴ (باربر و اولسون^۵، ۲۰۰۴) و حتی روابط و رفتار والدین نیز مربوط می‌شود. فعالیت‌ها، ارتباط مثبت و صمیمی کادر مدرسه با نوجوانان، مشارکت دادن دانش‌آموز در وظایف مدرسه، منجر به کاهش مشکلات دانش‌آموزان و مجازات آنان شود (هرسچفیلد و گاسپر^۶، ۲۰۱۱) علاوه بر این، شکست نوجوان در مدرسه و عدم تعامل سازنده با معلم و سایر دانش‌آموزان، احتمال ارتباط با گروه‌های انحرافی بخصوص در مناطق فقیر نشین و نامناسب را افزایش می‌دهد (وانگ^۷، ۲۰۰۵). تحقیقات متعددی نشان داده‌اند که شرایط اجتماعی از جمله محیط مدرسه، ارتباط همسالان بر رفتارهای ضداجتماعی نه به شکل مستقیم بلکه از طریق غیرمستقیم تأثیر می‌گذارد (پاردینی، والر و هاوز^۸، ۲۰۱۵). طبق دیدگاه روانکاوی فروید خانواده و والدین

1- School engagement
3- Sirin & Rogers-Sirin
5- Barber & Olsen
7- Wong

2- Simons-Morton & Chen
4- school climate
6- Hirschfield & Gasper
8- Pardini, Waller & Hawes

کودک نقش مهم و بسیار بزرگی، در ساختن شخصیت معتدل و استوار انسان دارند (طهماسبیان، جعفری، روشنی، چقازردی، حسینی و امجدیان، ۱۳۹۱).

بنابراین از متغیرهای متنی مرتبط با رشد منفی کودک، خشونت والدین است. رفتارهای خشونت‌آمیز والدین نسبت به کودک می‌تواند به صورت‌های مختلف از جمله خشونت‌های روانی، مثل محرومیت‌های عاطفی، تهدید، شرم‌دهنده کردن، تمسخر، خشونت‌های جسمانی و بدنی، مثل کتک زدن، گرت کردن، سوزاندن، ضربه زدن با اشیاء، کودکان و نوجوانانی که مورد بی‌مهری و محرومیت عاطفی قرار می‌گیرند، رفتارهای تضادورزی، مقاومت، خشونت‌آمیز و پرخاشگرانه از خود بروز می‌دهند (لاند، دی، اسپمیدت، سایگال و لیشوت^۱، ۲۰۱۶). مطالعه‌ای که توسط موسسه ملی عدالت گزارش شده است نشان می‌دهد کودکانی که مورد آزار و شکنجه قرار گرفته‌اند ۴/۸ برابر بیشتر از نوجوانان دیگر در معرض بزهکاری هستند و ۱۱ برابر جرایم خشونت‌آمیز بیشتری نشان می‌دهند. گرشوف و گروگان-کاپلور^۲ (۲۰۱۶) صدها مطالعه را مورد بررسی قرار داد و نتایج متاآنالیز ارتباط مثبت بین مجازات جسمانی و رفتار بزهکارانه و ضداجتماعی را نشان داد. این ارتباط منفی با کیفیت پایین رابطه والد-فرزند، سلامت روان و درونی شدن کودک از رفتار قابل قبول اجتماعی رابطه منفی دارد.

پیوند والدینی نیز به‌عنوان یکی از ساختارهای خانوادگی، از قوی‌ترین پیش‌بینی کننده‌های بزهکاری نوجوانان است (مکتبی، سلطانی، بواسحاقی و نوکاریزی، ۱۳۹۳). با توجه به این که انجام رفتارهای بزهکارانه با ویژگی‌های شخصیتی آنها در ارتباط است (فریتز و همکاران، ۲۰۰۸). از متغیرهای فردی که در بروز رفتار ضداجتماعی نقش دارند خود مهارگری^۳، تکانشگری^۴ و جسارت است. یکی از توانمندی‌هایی که می‌تواند از بروز رفتارهای ضداجتماعی جلوگیری کند داشتن مهارت‌های اجتماعی^۵ است که از دستاوردهای دوران کودکی به حساب می‌آید (عبدی، ۱۳۸۷). بررسی‌های نشان می‌دهد که کودکان و

1- Lund, Day, Schmidt, Saigal & Lieshout
3- self-control
5- social skills

2- Gershoff
4- impulsivity

نوجوانان دارای سطوح پایین خودمهارگری با قرار گرفتن در شرایط استرس‌زا قدرت برخورد درست را نداشته، رفتارهای مشکل‌دار برون‌سازی^۱ شده مانند پرخاشگری جسمانی و کلامی، مهار خلق ضعیف و بحث کردن با دیگران را نیز بیشتر تجربه می‌کنند (والثال، کونولد و پیانتا^۲، ۲۰۰۵). خودمهارگری با سلامت روانی، روابط بین فردی، پیشرفت در تکالیف و عملکرد تحصیلی رابطه مثبت معنادار دارد. افراد وظیفه‌شناس (خودمهارگری یکی از ویژگی‌های وظیفه‌شناسی است) سطوح بالاتری از فعالیت بدنی، مصرف مواد و الکل کمتر، رفتارهای داوطلبانه بیشتر و رانندگی ایمن تر را تجربه می‌کنند (مصیری، شفیع‌فرد، داوری و بشارت، ۱۳۹۰). نظارت والدین اثر غیرمستقیمی بر جرایم و بزهکاری نوجوانان از طریق خودمهارگری کم دارد. نظارت ضعیف والدین با خودمهارگری کم همراه است که همین امر رفتارهای انحرافی، ضداجتماعی و بزهکاری را تشدید می‌کند (وازسونی و بلیستون^۳، ۲۰۰۷؛ وازسونی، تریوس - کاستیلو و یونگ^۴، ۲۰۰۸). هاوه و همکاران^۵ (۲۰۰۹) رابطه بسیار قوی بین شیوه‌های فرزندپروری والدین و اختلالات روانی یافتند. همبستگی بین کنترل روانشناختی، نظارت والدین، خصومت پدر و مادر و بزهکاری نوجوانان یافت شد. همچنین مشخص شده است که خودمهارگری کم و فشار گروه همسالان منحرف نیز با بزهکاری رابطه مستقیم دارد (هولت بوسلر و می^۶، ۲۰۱۲).

از جمله ویژگی‌های شخصیتی بسیار موثر در بروز رفتار ضداجتماعی تکانشگری است که، تمایل کلی برای پاسخ دادن به موقعیت‌ها را توصیف می‌کنند. رفتارهای تکانشی که گاه با عنوان رفتارهای مخاطره‌آمیز نیز خوانده می‌شوند، طیف وسیعی از اعمالی را شامل می‌شوند که روی آنها تفکر کمی صورت گرفته، و به صورت نابالغ با واقع آنی، بدون توانایی در انجام تمرکز بر تکلیف خاص، در غیاب یک برنامه‌ریزی مناسب، رخ می‌دهند و از ریسک و خطرپذیری بالایی برخوردار است (واکسمن^۷، ۲۰۰۹). به‌طور کلی نتایج تحقیقات مختلف حاکی از ارتباط بین مزاج دوره کودکی و تخلفات و رفتارهای بزهکارانه

1- Lund, Day, Schmidt, Saigal & Lieshout
3- Vazsonyi & Belliston
5- Hoeve et al
7- Waxman

2- Walthal, Konold & Pianta
4- Vazsonyi, Trejos-Castillo & Young
6- Holt Bossler, & May

بعدی گزارش شده است (خانزاده و طاهر، ۱۳۹۳). در مطالعه طولی کاسپی و همکاران^۱ (۲۰۰۲) در نیوزلند مشاهده شد کودکانی که در سه سالگی مزاح غیرقابل مهار مانند ناآرامی، تکانشگری و توجه ضعیف داشتند در سنین نوجوانی رفتارهای بزهکارانه بیشتری از خود نشان دادند. صفات شخصیتی افراد می تواند به توضیح این که چرا برخی افراد در واکنش به تنیدگی، بیشتر رفتارهای برون سازی شده مانند سواستفاده از مواد را نسبت به رفتارهای درونی سازی شده مانند اضطراب نشان می دهند، کمک می کند. مطالعه روابط بین شخصیت و رفتارهای بزهکارانه نشان می دهد که چرا افرادی که تحت شرایط جرم خیز یکسان زندگی می کنند ممکن است پاسخ های کاملاً متفاوتی به شرایط یکسان بدهند، به طوری که برخی از افراد در محیط های مناسب، مرتکب رفتارهای نامناسب و جنایی می شوند و بعضی افراد دیگر با وجود زندگی در همان محیط های نامناسب رفتارهای نامناسب و جنایی را نشان نمی دهند (جونز، میلر و لینام^۲، ۲۰۱۱). در واقع صفات شخصیتی افراد - می تواند به توضیح این که چرا برخی افراد در واکنش به تنیدگی، بیشتر رفتارهای برون سازی شده مانند سواستفاده از مواد را نسبت به رفتارهای درونی سازی شده مانند اضطراب نشان می دهند، کمک می کند.

جسارت صفت شخصیتی دیگری است که می تواند در کنار نامساعد بودن محله در بروز رفتارهای ضداجتماعی نقشی مؤثر داشته باشد. تا کنون در ایران بر روی این متغیر با رفتار انحرافی کار نشده است. اما در تحقیق انجام شده توسط میر، اسلوتکس، آردنت و کادورت^۳ (۲۰۰۸) نشان داد پسرانی که از فعالیت های هیجان انگیز لذت می برند و جسارت بیشتری دارند اما در محله های خطرناک زندگی می کنند تا حدودی نسبت به پسرانی که فقط در این نوع محله ها زندگی می کنند و سرگرمی دیگری ندارند رفتارهای جسورانه و خطرناک کمتری نشان می دهند اما مشارکت در ورزش های سازمان یافته به طور مستقیم و پیوسته با کاهش رفتارهای ضداجتماعی در این محیط ها پیوند ندارد. از سوی دیگر فردریک و الس^۴ (۲۰۰۸) نشان دادند که علاقه به ریسک پذیری بالا و یک

1- Caspi et al

3- Meier, Slutske, Arndt, Cadoret

2- Jones, Miller & Lynam

4- Fredricks & Eccles

محیط ناامن می‌تواند زمینه را برای جدی شدن فعالیت‌های ضداجتماعی در نوجوانان افزایش دهد بنابراین مداخلاتی که به خانواده‌ها کمک می‌کند به محله‌ها امن‌تر منتقل شوند از نوجوانان حفاظت بیشتری می‌کند. ویمن، بروجک، ریلاندر، برگمن و ایبن^۱ (۲۰۱۵) نیز نشان داد میزان جسارت نوجوانان در انجام فعالیت‌های خطرناک به‌همراه یک محیط زندگی نامناسب می‌تواند میزان جرم‌پذیری آنان را به میزان زیادی افزایش دهد. که این امر را می‌توان از طریق تخلیه هیجان نوجوان در امور ورزشی و فعالیت‌های جسمانی کاهش داد بنابراین ساخت اماکن ورزشی در محله‌های فقیرنشین تا حدی زیادی کمک‌کننده خواهد بود. در حالت عادی بسیاری از رفتارها به‌عنوان ویژگی‌های اخلاقی افراد در نظر گرفت شده و به‌ویژه در نوجوانان به‌دلیل مواجهه با بحران بلوغ ممکن است طبیعی فرض شده و مورد بی‌توجهی قرار گیرند. سلامت روانی دانش‌آموزان که سازندگان فردای جامعه هستند یکی از محورهای مهم بهداشت روانی جامعه است. بنابراین لازم است به سلامت روانی - جسمانی این قشر بزرگ بیشتر توجه شود و گام‌های اساسی برای پیش‌گیری و درمان بیماری‌ها و اختلالات رفتاری آنان برداشته شود (هاگین و کیسر^۲، ۲۰۰۳). اغلب تحقیقات انجام شده در زمینه بزهکاری و رفتارهای ضداجتماعی نوجوانان یک بعدی بوده و بیشتر به شیوه‌های فرزندپروری والدین پرداخته‌اند. در این تحقیق سعی شده است سه عامل محیطی (خانواده، مدرسه و محله)، فردی (خصوصیات شخصیتی مانند تکانشگری، خودمهارگری کم و جسارت) در بروز رفتار ضداجتماعی بررسی شود. بنابراین هدف پژوهش حاضر، رابطه علی خشونت خانوادگی (خشونت فیزیکی و عاطفی)، ساختار محله و مشارکت در مدرسه با رفتارهای ضداجتماعی با میانجی‌گری خودمهارگری کم، تکانشگری و جسارت است.

فرضیه ۱: خشونت خانوادگی و محیط اجتماعی منفی بر تکانشگری، خودمهارگری و جسارت نوجوانان تأثیر منفی دارد.

فرضیه ۲: ویژگی‌های فردی (تکانشگری، خودمهارگری کم و جسارت) بر رفتار

1- Weimann, Bjork, Rylander, Bergman & Eiben

2- Huaqing & Kaiser

ضداجتماعی نوجوانان اثر می گذارد

فرضیه ۳: عوامل زمینه‌ای (خشونت خانوادگی و محیط‌های اجتماعی منفی محله و مدرسه) تأثیر غیرمستقیم بر رفتار ضداجتماعی دارند.

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

پژوهش حاضر، از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری اطلاعات توصیفی و از نوع همبستگی و به‌طور مشخص مبتنی بر مدل یابی معادله‌های ساختاری بود. در مدل تحلیلی پژوهش، خشونت خانوادگی، ساختار محله و مشارکت در مدرسه به‌عنوان متغیرهای مستقل، تکانشگری، خودمهارگری کم و جسارت به‌عنوان متغیرهای میانجی و رفتار ضداجتماعی به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. داده‌های این پژوهش به وسیله پرسشنامه‌های خودگزارش‌دهی به‌دست آمدند. به‌منظور بررسی الگوی پیشنهادی پژوهش از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری و برای آزمون اثرات غیرمستقیم از روش بوت استرپ در دستور کامپیوتری ماکرو پریچر و هیز با نرم‌افزارهای SPSS 16 و AMOS 16 انجام شدند. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام پسران در بند کانون اصلاح و تربیت شهر اهواز و کارون است. جامعه آماری مشتمل بر ۱۸۵ نفر پسر در بازه سنی ۱۶-۱۹ (SD=۱/۲) سال بود. ابتدا فهرست تمام افراد حاضر در کانون اصلاح و تربیت از مسئولان مربوطه اخذ گردید. ملاک‌های ورود به مطالعه داشتن رفتارهای ضداجتماعی طبق ملاک‌های DSM-IV-TR2¹ بوده است، لذا به‌صورت نمونه‌گیری تصادفی ۱۰۰ نفر انتخاب شدند که اخلاق پژوهش در این مطالعه کاملاً رعایت گردید به‌گونه‌ای که به مشارکت‌کنندگان در زمینه محرمانه ماندن اطلاعات، اطمینان خاطر داده شد و آن‌ها با رضایت کامل، پرسشنامه‌ها را در محیطی آرام و بدون ذکر نام تکمیل کردند.

1- American Psychiatric Association

ابزار

پرسشنامه کودک‌آزاری و ضربه^۱ (CTQ): در این پژوهش برای سنجش سوءاستفاده احساسی و عاطفی والدین از پرسشنامه ضربه کودکی برنستاین (۱۹۹۵) استفاده شده است. یک ابزار خودگزارشی است و برای سنجش آزاردیدگی دوران کودکی به کار برده می‌شود. این ابزار آزاردیدگی را در پنج خرده‌مقیاس اندازه‌گیری می‌کند و یک نمره کلی نیز به دست می‌دهد که نشانگر بدرفتاری کلی است. پنج خرده‌مقیاس شامل، خرده‌مقیاس آزار عاطفی^۲، آزار جسمی^۳، آزار جنسی^۴، غفلت عاطفی^۵ و غفلت جسمی^۶ می‌باشد. در این پژوهش از ۲ خرده‌مقیاس آزار عاطفی و آزار جسمی والدین نسبت به کودکان استفاده شده که شامل ۵ ماده در طیف لیکرت (۱= هرگز تا ۵= اغلب) است. نمرات بالاتر مقیاس نشان‌دهنده آزار عاطفی و جسمی بیشتر است. در پژوهش ماده‌های متعلق به خرده‌مقیاس خشونت جنسی به دلیل مسائل فرهنگی و قومی حذف شده است و در مجموع ۴۰ ماده برای سنجش خشونت والدین بر فرزندان به کار برده شده است. ضریب پایایی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ در پژوهش مکتبی و همکاران (۱۳۹۳) به ترتیب برای کل کودک‌آزاری ۰/۹۱، خشونت جسمی ۰/۸۵، غفلت عاطفی ۰/۷۰ و غفلت جسمی ۰/۷۵، آزار عاطفی ۰/۸۵ به دست آمد. همچنین در پژوهش لی و همکاران (۲۰۱۶) پایایی ابزار به روش آلفای کرونباخ برای کل ابزار و خرده‌مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۸، ۰/۹۰، ۰/۸۹ و ۰/۸۴ به دست آمد. در پژوهش حاضر پایایی ابزار به روش آلفای کرونباخ برای نمره کل پرسشنامه ۰/۸۹ به دست آمد.

سیاهه رفتار ضداجتماعی^۸: برای سنجش رفتارهای ضداجتماعی ۲۵ مورد از مقیاس انحراف از رفتار نرمال ساخته شده توسط وازرونی و همکاران (۲۰۰۱) استفاده شد. این مقیاس برای ارزیابی فراوانی رفتار نوجوانان علیه هنجارهای اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است.

1- Childhood Trauma Questionnaire

3- Emotional Abuse (EA)

5- Sexual Abuse(SA)

7- Physical Neglect(PN)

2- Maltreatment Scale (Global)

4- Physical Abuse(Pa)

6- Emotional Neglect(EN)

8- Externalized Problem Inventory

شرکت کنندگان پاسخ‌های خود را در طیف لیکرت ۶ درجه (۰=هرگز تا ۶=بیش از ۲۰ بار) پاسخ می‌دهند. این ابزار یک نمره کل و ۷ خرده‌مقیاس دارد که عبارتند از: خرابکاری، استفاده از الکل، استفاده از مواد مخدر، سرقت، حمله، ترک مدرسه و گرایش به همسالان منحرف. اگر نمره فرد بالاتر از میانگین باشد تشخیص رفتار ضداجتماعی داده خواهد شد. این ابزار برای اولین بار توسط پژوهشگران این تحقیق ترجمه شده است. وارزونی و همکاران پایایی ابزار را در خرده‌مقیاس‌های آن در محدوده ۷۶/۸۹ تا ۸۹/۸ مشخص کردند. روایی صوری و محتوایی این ابزار از سوی استادان روانشناسی مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. اعتبار این سیاهه بر اساس بازآزمایی ۰/۷۲ و پایایی ابزار به روش آلفای کرونباخ در این تحقیق ۰/۸۰ به‌دست آمد.

مقیاس خود مهارگری^۱: مقیاس خودمهارگری تانجنی و بامیستر^۳ (۲۰۰۴) دارای ۳۶ ماده است و در یک طیف پنج درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. دامنه نمره کل افراد ۱۸۰-۳۶ است. برای تعیین اعتبار مقیاس، دو پژوهش در دو گروه دانشجوی دوره کارشناسی اجرا شد که در هر دو پژوهش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به‌دست آمد (تانجنی و بامیستر، ۲۰۰۴). در پژوهش مصیری و همکاران (۱۳۹۰) نیز پایایی ابزار به روش آلفای کرونباخ مقدار ۰/۷۵ به‌دست آمد. در پژوهش حاضر پایایی ابزار ۰/۷۳ به‌دست آمد.

سیاهه محیط کلاس و مدرسه^۲: آلفرد، مروین و رابرت (۲۰۰۴) این سیاهه را برای سنجش احساسات دانش‌آموزان نسبت به محیط و جو مدرسه و به‌طور کلی میزان پذیرش وی در مدرسه و پذیرش محیط مدرسه توسط وی ساخته‌اند. سیاهه شامل دو زیر مقیاس محیط کلاس (۱۰ ماده) و محیط مدرسه (۱۰ ماده) است که در پژوهش حاضر تنها زیرمقیاس محیط مدرسه به‌منظور سنجش کیفیت پیوند نوجوانان با مدرسه و میزان مشارکت آنان در مدرسه استفاده شد. پاسخ‌ها بر اساس طیف لیکرت از صفر تا چهار نمره‌گذاری می‌شود. دامنه نمره کل ۸۰-۰ و برای هر کدام از دو زیرمقیاس ۴۰-۰ است.

1- Self-Control Scale

2- Tangeny & Baumeister

3- The Classroom and School Community Inventory

اعتبار سیاهه با استفاده از روش آلفای کرونباخ سیاهه مرتبط با کلاس به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۸۳ به دست آمد. افزون بر آن، ضرایب همسانی درونی برای دو بعد اجتماعی و بعد یادگیری سیاهه کلاسی ۰/۹۰ و ۰/۸۷ و برای مدرسه ۰/۸۵ و ۰/۸۲ محاسبه شد. اعتبار سیاهه با روش بازآزمایی و با فاصله دو هفته در پژوهش محمدی مصیری و همکاران (۱۳۹۰) ۰/۹۰ و ۰/۸۸ به دست آمد. در پژوهش حاضر اعتبار آزمون با روش آلفای کرونباخ مقدار ۰/۸۷ برای زیرمقیاس محیط مدرسه محاسبه شد.

مقیاس تکانشگری بارات BIS-11: مقیاس تکانشگری بارات^۱ را پاتون و استنفورد^۲ (۱۹۹۵) ساخته‌اند که شامل ۳۰ سوال چهار گزینه‌ای است که تصمیم‌گیری شتابزده و فقدان دوراندیشی را اندازه می‌گیرد. ماده‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که سه عامل تکانشگری شناختی^۳ (تصمیمات سریع)، تکانشگری حرکتی^۴ (وارد عمل شدن بدون تصمیم پیشین) و تکانشگری بی‌برنامگی^۵ (عدم آینده‌نگری) را می‌سنجد (بایله، بوردله و کاسی، ۲۰۰۰). نمره بیشتر در این مقیاس نشان از تکانشگری بالاتر دارد. مطالعات متعددی شواهدی دال بر روایی و پایایی قابل قبول این مقیاس گزارش کرده‌اند. نادری و حق‌شناس (۱۳۸۸)، در پژوهشی برای نخستین بار به اعتباریابی مقیاس تکانشگری بارت با محاسبه همبستگی آن با مقیاس هیجان‌خواهی ذاکرمن^۶ در جامعه دانشجویی پرداختند. ضریب همبستگی ۰/۶۸ و ضرایب پایایی آن به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۲ و به روش تنصیف ۰/۶۰ به دست آمد. نسخه فارسی این پرسشنامه توسط اختیاری و همکاران اعتباریابی شده است. ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه را در دو گروه معنادان و افراد سالم به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۸۳ گزارش کرده‌اند.

مقیاس ساختار محله^۸: برای ارزیابی ویژگی‌های محله از ابزار ساخته شده توسط فریاس - آرمنتا، لویز - اسکوبار و دیاز مندز (۲۰۰۳) استفاده شد. این ابزار شامل ۹ مورد است از جمله خطرناک بودن محله از نظر امنیت، غفلت، سر و صدا، کثیف بودن، فروش مواد مخدر،

1- Barratt

3- cognitive impulsivity

5- nonplanning

7- Sensation Seeking Scale(SSS)

2- Patton & Stanford

4- motor

6- Bayle, Bourdel & Caci

8- Neighborhood characteristics

تعداد افراد الکی در محله و همچنین ناهمگونی ساختار اجتماعی محله، که شرکت‌کنندگان پاسخ‌های خود را در طیف لیکرت ۰ = هیچ چیزی نیست تا ۱۰ = بیش از حد ثبت می‌کنند. مقدار آلفای کرونباخ حساب شده برای اعتبار این آزمون توسط فریاس-آرمنتا و همکاران (۲۰۰۳) برابر ۰/۸۰ بود. در پژوهش حاضر اعتبار ابزار به روش آلفای کرونباخ مقدار ۰/۸۶ به دست آمد.

مقیاس تنوع کودک و نوجوان^۱: مقیاس تنوع کودک و نوجوانان برای اندازه‌گیری اختلالات دوره نوجوانی از سن ۱۲ سالگی به بعد توسط لاهی و همکاران^۲ (۲۰۰۸) ساخته شده است. که شامل سه خرده‌مقیاس رفتار اجتماعی^۳ (رفتار داوطلبانه کمک کردن به دیگران)، احساس عاطفه منفی^۴ و جسارت^۵ است. در این پژوهش از خرده‌مقیاس جسارت استفاده شده است. این مقیاس شامل ۳۱ ماده است که شرکت‌کنندگان با آگاهی از چگونگی احساسات و رفتار خود در طول ۱۲ ماه گذشته پاسخ‌های خود را در یک مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای (۱ = به‌طور کلی تا ۴ = اغلب) ثبت می‌کنند. لاهی و همکاران (۲۰۰۸) هر سه خرده‌مقیاس رفتار اجتماعی، عاطفه منفی و جسارت را با استفاده از روش تحلیل عامل اکتشافی و تأییدی در چندین نمونه مشخص کردند. این مقیاس دارای ۲ فرم والدین و نوجوانان است که برای خرده‌مقیاس رفتار اجتماعی ۱۰ مورد برای گزارش مراقبان اولیه و ۹ مورد برای گزارش نوجوان. برای عامل عاطفه منفی حاوی ۱۰ مورد برای گزارش والدین و ۷ مورد برای گزارش کودک و برای خرده‌مقیاس جسارت ۵ مورد برای هر دو گزارش مراقبان و نوجوان است. هر عامل دارای اعتبار بالایی بوده و مقدار آن بین ۰/۷۴ تا ۰/۸۵ برای گزارش والدین و ۰/۶۲ تا ۰/۸۲ برای گزارش کودک ثبت شده است. همبستگی بالایی بین گزارش والدین و نوجوان برای عامل جسارت $r=0/63$ و برای رفتار اجتماعی $r=0/56$ و برای عاطفه منفی $r=0/71$ به دست آمد. این مقیاس برای اولین بار توسط محققان ترجمه شده روایی محتوایی و صوری آن توسط نظر اساتید تأیید شد. تحلیل اکتشافی نیز در جامعه ایران هر سه عامل را تشخیص داد و اعتبار هر سه خرده

1- Scale diversity child and adolescent (SDCA) 2- Lahey

3- child prosociality

4- negative emotionality

5- daring

مقیاس با روش آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۸ و ۰/۷۰ به دست آمد.

یافته‌ها

جدول (۱) میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی میان متغیرهای مورد مطالعه

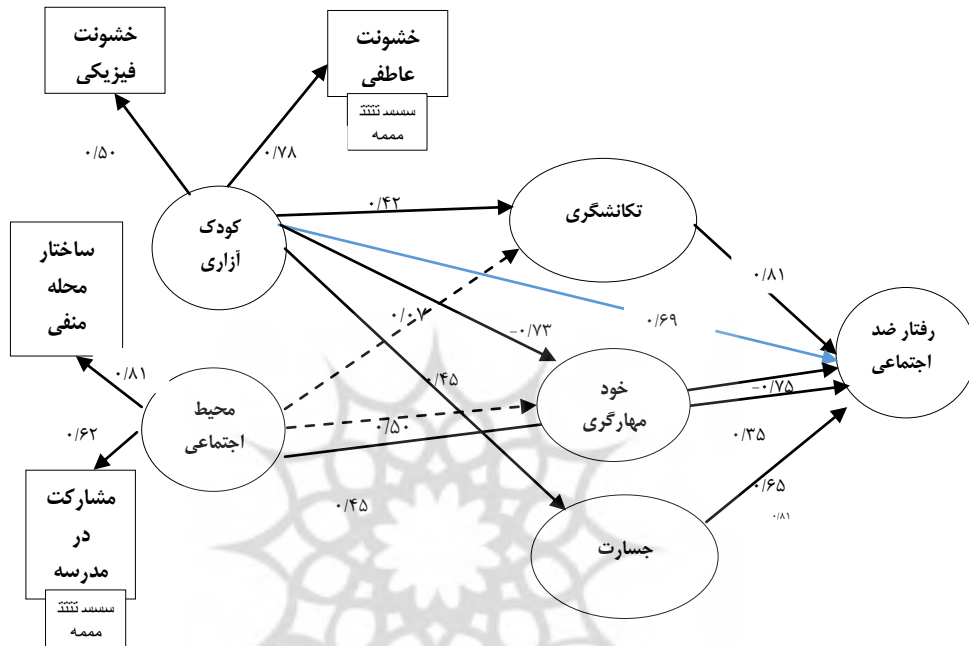
متغیرها	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱ جسارت	۴/۶۸	۵/۸۷	-							
۲ خشونت فیزیکی	۱/۱۲	۲۲/۷۹	۰/۸۲	-						
۳ خشونت عاطفی	۱/۶۶	۲۹/۵۹	۰/۴۹	۰/۵۰*	-					
۴ محیط مدرسه	۲۴/۰۲	۵/۸۷	-۰/۲۵	-۰/۵۲	-۰/۰۹	-				
۵ ساختار محله	۱۰/۲۴	۷/۸۱	۰/۱۰	۰/۲۰	۰/۲۵	-۰/۰۷	-			
۶ تکانشگری	۱۵/۸۵	۸/۴۴	۰/۱۵	۰/۱۷	۰/۴۷	-۰/۴۴	۰/۱۹	-		
۷ خودمهارگری	۱/۳۰	۱۷/۹۹	-۰/۱۶	-۰/۳۱	-۰/۳۲	۰/۳۹	-۰/۴۰	-۰/۲۳	-	
۸ رفتار ضد اجتماعی	۹/۱۲	۸/۱۵	۰/۱۲*	۰/۵۰*	۰/۳۵	-۰/۰۸	۰/۲۷	۰/۱۶	-۰/۳۹	-

همان‌گونه که یافته‌های جدول (۱) نشان می‌دهد، ضرایب همبستگی متغیرهای محیط مدرسه (۰/۰۸-) با متغیر رفتار ضد اجتماعی (۰/۳۹-) به صورت منفی معنی‌دار هستند.

جدول (۲) شاخص‌های برازندگی مدل پیشنهادی و مدل اصلاح شده

مدل‌ها	χ^2	Df	χ^2/df	GFI	AGFI	IFI	TLI	CFI	NFI	RMSEA
مدل پیشنهادی	۱۷۳/۳۸	۱۱	۱۵/۷۶	۰/۷۶	۰/۴۰	۰/۵۹	۰/۴۰	۰/۵۸	۰/۵۸	۰/۳۹
مدل اصلاح شده	۱۰/۲۷	۷	۱/۴۶	۰/۹۷	۰/۹۰	۰/۹۹	۰/۹۷	۰/۹۳	۰/۹۷	۰/۰۷

همان‌گونه که در جدول (۲) نشان داده شده است، شاخص‌های مدل پیشنهادی از برازندگی مناسبی با داده‌ها برخوردار نیستند لذا، برای اصلاح مدل پیشنهادی سه تعدیل بر روی مدل انجام گرفت و رابطه‌های بی‌معنی حذف شدند.



نمودار (۱) مدل اصلاح شده رابطه علی کودک آزاری و محیط اجتماعی (ساختار محله و مشارکت در مدرسه) با رفتار ضد اجتماعی از طریق میانجی‌گری تکانشگری، خودمهارگری و جسارت

نمودار (۱) نشان می‌دهد که از میان تمام مسیرها در مدل اصلاح شده دو مسیر غیرمعنی‌دار هستند: رابطه محیط اجتماعی با تکانشگری ($\beta=+0.07$, $p=0.36$) و محیط اجتماعی با خودمهارگری ($\beta=+0.50$, $p=0.08$)، و بقیه مسیرها معنی‌دار هستند: ضرایب مسیر کودک آزاری با تکانشگری 0.42، کودک آزاری با خودمهارگری -0.73، کودک آزاری با جسارت، محیط اجتماعی با جسارت 0.45، تکانشگری با رفتار ضد اجتماعی 0.69، خودمهارگری با رفتار ضد اجتماعی -0.75 و جسارت با رفتار ضد اجتماعی 0.65 به‌دست آمد.

بحث

هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه علی کودک آزاری (خشونت فیزیکی و خشونت عاطفی) و محیط اجتماعی (ساختار منفی محله و مشارکت مدرسه) با رفتار ضداجتماعی با میانجی‌گری تکانشگری، جسارت و خود مهارگری است. مدل پیشنهادی به‌خوبی نشان می‌دهد که رفتار ضداجتماعی نوجوانان از طریق دسته‌ای از عوامل محیطی و شخصی صورت می‌گیرد و مدل حاضر نیز این نتیجه را تأیید کرد. فرضیه اول تحقیق مبنی بر این که خشونت خانوادگی (خشونت فیزیکی و عاطفی) و محیط اجتماعی (ساختار محله منفی و مشارکت در مدرسه) بر تکانشگری، خودمهارگری و جسارت نوجوانان تأثیر دارد، تأیید شد. که با پژوهش‌های مکتبی و همکاران (۱۳۹۳) و گرشوف و کایلور (۲۰۱۶) مبنی بر رابطه مثبت خشونت خانوادگی با رفتار ضداجتماعی است همسو است. رفتارهای خشونت‌آمیز والدین نسبت به کودک می‌تواند به‌صورت‌های مختلف از جمله خشونت‌های روانی، مثل محرومیت‌های عاطفی، تهدید، شرم‌منده کردن، تمسخر، بی‌توجهی عاطفی به نیازهای روانی، ناسزاگویی و... و خشونت‌های جسمانی و بدنی، مثل کتک زدن، گرت کردن، سوزاندن، ضربه زدن با اشیاء، کودکان و نوجوانانی که مورد بی‌مهری و محرومیت عاطفی قرار می‌گیرند، رفتارهای تضادورزی، مقاومت، خشونت‌آمیز و پرخاشگرانه از خود بروز می‌دهند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند، خشونت عاطفی والدین به‌خصوص مادر نسبت به کودکان، پیش‌بینی‌کننده رفتار پرخاشگرانه، عدم ثبات هیجان و مشکلات اجتماعی بیشتری در دوره نوجوانی است. اسپانزالو و همکاران^۱ (۲۰۱۴) نیز نشان دادند که سابقه بدرفتاری والدین (سوءاستفاده احساسی و یا بی‌توجهی عاطفی) والدین نسبت به سوءاستفاده جسمی و جنسی با مشکلات رفتاری بیشتری در دوره نوجوانی و بروز رفتارهای ضداجتماعی همراه است. لی، چن، هت، فانگ، دو و وانگ^۲ (۲۰۱۶) نیز نشان دادند که آزار و اذیت کودکان به‌خصوص خشونت عاطفی، رابطه والد-فرزند را تخریب کرده که همین امر رفتار پرخاشگرانه بیشتری را در نوجوانی و بزرگسالی پیش‌بینی می‌کند.

1- Spinazzola et al

2- Li, Lin, Chi, Heath, Fang, Du & Wang

نتیجه دیگر پژوهش رابطه منفی خشونت خانوادگی (جسمانی و عاطفی) با خود مهارگری نوجوانان بود که با یافته‌های ایزنبرگ، لیو و پیادا (۲۰۱۱) و هاوه و همکاران (۲۰۰۹) همسو است. در تبیین این یافته باید گفت، خودمهارگری در دوران اولیه زندگی به‌عنوان عاملی پایدار و متشکل از شش جزء است افرادی که خودمهارگری ضعیفی دارند به تکانشی و آنی بودن بودن، ترجیح وظایف ساده و راحت بر وظایف مشکل که مستلزم پایداری است، جهت‌گیری خودمحورانه درباره علائق دیگران، رفتارهای مخاطره‌جویانه و ناشکیبایی به‌علت کم تحملی در برابر ناکامی‌ها است، که کاهش یا افزایش این عوامل در گرو نوع برخورد والدین با کودک است. منشأ خودمهارگری ضعیف را باید در خانواده و ناکارآمدی جامعه‌پذیری فرد در دوران کودکی یافت، شیوه‌های تربیتی مستبدانه به‌همراه خشونت‌های فیزیکی و بالاخص عاطفی، قدرت تصمیم‌گیری را از کودک می‌گیرد. و کودک را به منبعی برای تخلیه کردن هیجان‌های سرکوب شده تبدیل می‌کند. خشونت عاطفی و مخصوصاً تحقیر کردن سبب می‌شود نوجوان با این حس حقارت خود را به دیگران منتقل کند و بر روی فرایندهای شناختی نوجوان نیز اثر می‌گذارد پیام‌های عاطفی دیگران را خبیثانه تلقی می‌کند و رفتارهای بزهکارانه و ضداجتماعی را نشان می‌دهد. البته فقدان خود مهارگری و نقش خانواده در عدم تکامل آن، بدان معنی نیست که فرد حتماً انحراف پیدا خواهد کرد، بلکه شرایطی را به‌وجود می‌آورد که زمینه را برای بزهکاری مساعد می‌کند (گرسمیک، بروسک و آرنکلو، ۱۹۹۳).

نتیجه دیگر پژوهش رابطه منفی خودمهارگری با رفتار ضد اجتماعی بود که با نتایج والثالی و همکاران (۲۰۰۵) و مصیری و همکاران (۱۳۹۰) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت افرادی که خودمهارگری پایینی دارند به پیامد رفتار خود نمی‌اندیشند و سعی در ارضای فوری امیال خود دارند، از این‌رو این‌گونه افراد به پیامدهای ضرر و زیان رفتار خود به دیگران نمی‌اندیشند. از سوی دیگر خودمهارگری بالا، از تعهد روزافزون‌تری برخوردار است در شرایط ناگوار احساسات و عواطف خود را بیشتر مدیریت می‌کند. افراد با خودمهارگری قوی می‌توانند در برابر خشونت کاذب ناشی از انحراف مقاومت کنند.

1- Grasmick, Bursik & Arneklev

بالعکس، خودمهارگری ضعیف باعث رفتارهای منحرفانه می‌شود بر اساس نظر گات فردسن و هیرشی، افرادی که خودمهارگری ندارند، رفتارهای هیجانی و احساسی و اعمال فیزیکی به‌جای اعمال ذهنی، کارهای پرخطر، عجولانه و غیرزبانی‌گرایش می‌یابند به همین دلیل به اعمال مجرمانه و قانون‌شکنانه دست می‌زنند (به نقل از علیوردی‌نیا، شارع‌پور و مرادی، ۱۳۹۲). همچنین تکانشگری با رفتار ضداجتماعی رابطه مثبتی داشت که با نتایج کارول و همکاران^۱ (۲۰۰۶) همسو است. کارول و همکاران (۲۰۰۶) سطوح مختلف تکانشگری را مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که نقص در متغیرهای شناختی مانند عدم توانایی برای کنترل مهارکننده‌ها و مایل به پاسخ سریع بدون تفکر نوجوان را در معرض ضعف روانی و تحریک‌پذیری بیشتر قرار می‌دهد و در نتیجه رفتارهای ضداجتماعی را بروز می‌دهد. افرادی که تکانشگری بالایی دارند، در واقع قدرت خودمهارگری پایین‌تری دارند، خودمهارگری یعنی فرد با وجود برانگیختن برای عمل، کنترل رفتارها، احساسات و غرایز خود را داشته باشد. دیدگاه اجتماعی به تکانشگری، به عنوان یک رفتار آموخته شده می‌نگرد که کودک از خانواده و محیط اطراف آموخت هاست و از آن برای به‌دست آوردن خواسته‌های مطلوبش به‌سرعت واکنش نشان می‌دهد (به نقل از اختیاری، رضوان‌فرد و مکرری، ۱۳۸۷). نتیجه دیگر پژوهش رابطه مثبت بین جسارت و ساختار محله است که با نتایج ترنتاکوستا و همکاران (۲۰۰۹) همسو است. در واقع باید گفت ترکیب جسارت و یک محله خطرناک زمینه را برای بروز رفتارهای انحرافی بسیار افزایش می‌دهد. ولی رفتار جسورانه در محله‌های کمتر خطرناک، رفتار ضداجتماعی زیادی را باعث نمی‌شود. ارتباط بین جسارت و جرأت زیاد با یک محله از نظر ساختاری نامناسب در پژوهش میر و همکاران (۲۰۰۸) نیز تأیید شده است. پسرانی که از فعالیت‌های هیجان‌انگیز لذت می‌برند اما در محله‌های فقیرنشین و واجد انحراف زندگی می‌کنند نسبت به همسلان خود با همان سطح جسارت اما در محله‌های مساعدتر زندگی می‌کنند بیشتر به سمت گروه‌های خلاف و رفتارهای مجرمانه دست می‌زنند. همچنین محیط مدرسه، کیفیت تعامل نوجوان با همسلان در مدرسه و ارتباط نوجوان با

1- Carroll et al

معلم نیز می‌توانند از طریق تسهیل نیازهای عاطفی نوجوان، به کاهش رفتار ضداجتماعی آنان بینجامد.

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌ها می‌توان بیان کرد هنگام بروز رفتارهای مخاطره‌آمیز از سوی نوجوانان و جوانان می‌توان به دنبال جستجوی علل آن در محیط‌های اولیه نظیر خانواده و نحوه ارتباط والدین با فرزندان و کیفیت روابط آنان با فرزندانمان باشیم. همچنین بدیهی است که بی‌توجهی به فرزندان و نداشتن یک رابطه عاطفی گرم و سازنده با فرزندان خود باعث گرایش آنان به گروه همسالان نادرست و رفتارهای مخاطره‌آمیز می‌گردد. به والدین و مسئولان آموزشی توصیه می‌شود که به دنبال داشتن یک رابطه گرم و صمیمانه با نوجوانان و جوانان باشند و زمینه‌های رشد ابراز وجود را در آنان فراهم آورند تا از گرایش به سمت رفتارهای پرخطر جلوگیری گردد. این مطالعه مانند سایر پژوهش‌ها، دارای برخی محدودیت‌ها بود، از جمله استفاده از پرسشنامه جهت جمع‌آوری اطلاعات و اجرای این پژوهش در جامعه دانشجویان بود نتایج این پژوهش قابل تعمیم به سنین دیگر و افرادی که از تحصیلات دانشگاهی برخوردار نیستند، نمی‌باشد. همچنین، این پژوهش به دلیل ناتوانی در کنترل برخی از متغیرهای احتمالی مانند طبقه‌های اجتماعی و فرهنگی و تحصیلات و غیره نمی‌توان ادعا کرد که تفاوت‌های مشاهده شده صرفاً ناشی از پیوند والدینی و ابراز وجود است.

با توجه به این یافته‌ها و اهمیت روزافزون عوامل پیش‌بین گرایش به رفتارهای پرخطر، پیشنهاد می‌شود، راه‌های برقراری ارتباط صحیح و مؤثر فرزند برای والدین، و آموزش مهارت ابراز وجود در قالب کلاس‌ها و دوره‌های مختلف آموزشی برای دانش‌آموزان برگزار گردد. همچنین پیشنهاد می‌شود انجمن‌های اولیا و مربیان آموزش و پرورش، آموزش خانواده را بر اساس روابط ولی-فرزندی مورد توجه قرار دهند، و نیز از طریق رسانه‌های گروهی، فرهنگ ابراز وجود رواج داده شود تا افراد راحت‌تر بتوانند عقاید و احساسات خود را بیان کنند. با توجه به اینکه عوامل مختلفی در گرایش به

رفتارهای پرخطر دخالت دارند پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات آینده عواملی از جمله جو خانوادگی، سبک‌های دلبستگی و طبقه اجتماعی آزمودنی‌ها را نیز مورد توجه قرار دهند تا قضاوت صحیح‌تری در زمینه عوامل پیش‌بین‌کننده گرایش به رفتارهای پرخطر به دست آید. بر اساس یافته‌های این پژوهش، برنامه‌ریزی شهری با حوزه‌های مختلف اثرگذاری خود می‌تواند نقش موثری در بهبود هر یک از شاخص‌های موثر بر سلامت در سطح محله و در نتیجه ارتقای سلامت افراد داشته است.

تاریخ دریافت نسخه اولیه مقاله:

۱۳۹۶/۰۳/۱۲

تاریخ دریافت نسخه نهایی مقاله:

۱۳۹۶/۰۵/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۹۶/۰۷/۱۱



منابع

- آقایاری، توکل؛ عباسزاده، محمد و فرانک گراوند (۱۳۹۵). مطالعه سلامت روانی و عوامل فردی و محله‌ای موثر بر آن، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۷(۲۷)، ۱۴۶-۱۸۳.
- اختیاری، حامد؛ رضوان‌فرد، مهرناز و آذرخش مگری (۱۳۸۷). تکانشگری و ابزارهای گوناگون ارزیابی آن: بازبینی دیدگاه‌ها و بررسی‌های انجام شده.
- بیرامی، منصور؛ هاشمی، تورج؛ فتحی‌آذر، اسکندر و پروانه علائی (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مدیریت شرم مبتنی بر برنامه PEGS در کاهش قلدری نوجوانان دختر، فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی، ۱۰(۳۹)، ۲-۲۳.
- شیعه، اسماعیل؛ زربادی، زهرالسادات و ملیسا یزدان‌پناهی (۱۳۹۲). بررسی و تبیین مفهوم محله سالم در محلات سنتی ایران، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۵(۱۷)، ۱-۲۰.
- طهماسبیان، حجت‌اله؛ جعفری، جواد؛ روشنی، بهمن؛ چقازردی، سبیروس؛ حسینی، سیدعلی و نادیا امجدیان (۱۳۹۱). بررسی رابطه کودک آزاری والدین و ویژگی‌های شخصیتی با الگوی مجرمانه شرارت و رفتار جنایی در بین زندانیان شهر کرمانشاه، مجله علمی پزشکی قانونی، ۱۸(۱)، ۱۷-۲۴.
- خانزاده، عباسعلی و محبوبه طاهر (۱۳۹۳). مطالعه تحلیلی ویژگی‌های شخصیتی نوجوانان بزهکار، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۵(۱): ۳۱-۵۳.
- خادمی، علی و علی‌اکبر سیف (۱۳۹۰). بررسی تأثیر آموزش مولفه‌های فراشناختی در کاهش رفتارهای ضداجتماعی جوانان زندانی مرکز ارومیه، مجله تحقیقات علوم رفتاری، شماره ۳، ۱۸۶-۱۹۵.
- عبدی، بهرام (۱۳۸۷). مهارت‌های اجتماعی و مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی ایرانی، فصلنامه روانشناسی ایرانی، ۱۶، ۳۳۳-۳۴۱.
- علیوردی‌نیا، اکبر؛ شارع‌پور، محمود و فاطمه مرادی (۱۳۹۲). بررسی تأثیر خودمهارگری و پیوند اجتماعی بر نگرش دانشجویان نسبت به مصرف الکل، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، ۱(۴)، ۶۹-۹۷.
- مکتبی، غلامحسین؛ سلطانی، عبدالله؛ بواسحاقی، منیژه و حسن نوکاربیزی (۱۳۹۳). بررسی رابطه پیوندهای والدینی و ابراز وجود با رفتارهای پرخطر، دو فصلنامه مشاوره کاربردی، ۴(۲)، ۶۹-۸۲.

مصیری، فرهاد؛ شفیعی‌فرد، یعقوب؛ مزده، داوری و محمدعلی بشارت (۱۳۹۰). نقش خودمهارگری، کیفیت رابطه با والدین و محیط مدرسه در سلامت روانی و رفتارهای ضداجتماعی نوجوانان، *روانشناسی تحولی: روانشناسی ایرانی*، ۸(۳۲)، ۳۹۷-۴۰۴.

نادری، فرح و حق‌شناس، فریبا (۱۳۸۸). اعتبار یابی مقیاس تکانشگری بارت (BIS-11) و رابطه تکانشگری و احساس تنهایی با میزان استفاده از تلفن همراه در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اهواز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

Barber BK, Olsen JA. Assessing transitions to middle and high school, *Journal of Adolescent Research*, 2004; 19:3-30.

Barratt, E; Stanford, M.S., Kent, T.A. & Felthous, A. (2004). Neuropsychological and cognitive psycho psychiatry, 41, 1045-1061.

Bayle, F.J., Bourdel, M.C. & Caci, H. et al (2000). Factor analysis of French translation of the Barratt impulsivity scale (BIS- 10) French (Abstract). *Can J Psychiatry*, 45(2), 156-166.

Burt S.A. (2012). How do we optimally conceptualize the heterogeneity within antisocial behavior?, An argument for aggressive versus non-aggressive behavioral dimensions, *Clin. Psychol. Rev.*, 32 263-279.

Boehnke, K. & Bergs-Winkels, D. (2002). Juvenile Delinquency under Conditions of Rapid Social Change, *Sociological Forum*, 17, 57-79.

Burt S.A. (1995). How do we optimally conceptualize the heterogeneity within antisocial behavior? An argument for aggressive versus non-aggressive behavioral dimensions, *Clin. Psychol. Rev.* 32 263-279.

Carroll, A. Hemingway, F., Bower, J., Ashman, A., Houghton, S., & Durkin, K. (2006). Impulsivity in Juvenile Delinquency: Differences among Early-Onset, Late-Onset, and Non-Offenders, *Journal of Youth and Adolescence*, 35, 519-529.

Caspi, A., McClay, J., Moffitt, T.E., Mill, J., Martin, J. & Craig. I.W. (2002), Role of genotype in the cycle of violence in maltreated children, *Science*, 297, 851-854.

Trentacosta, Luke W. Hyde, Daniel S. Shaw, and JeeWon Cheong (2009). Adolescent Dispositions for Antisocial Behavior in Context: The Roles of Neighborhood Dangerousness and Parental Knowledge, *J Abnorm Psychol*, 118(3), 564-575.

- Dunsmore, J.C., Booker, J.A. & Ollendick, T.H. (2013). Parental Emotion Coaching and Child Emotion Regulation as Protective Factors for Children with Oppositional Defiant Disorder, *Social Development*, 22 (3), 444–466.
- Eisenberg, N., Liew, J. & Pidada, S.U. (2011). The relations of parental emotional expressivity with quality of Indonesian children's social functioning, *Emotion*, 1, 116–136.
- Spinazzola, J., Hodgdon, H., Liang, L.J., Ford, J.D., Layne, C.M., Pynoos, R.,... Kisiel, C. (2014). Unseen wounds: The contribution of psychological maltreatment to child and adolescent mental health and risk outcomes. *Psychological Trauma: Theory, Research, Practice, and Policy*, 6, 18-28.
- Frías-Armenta, M. & Corral-Verdugo, V. (2013). Environmental and individual factors in adolescent antisociality: A structural model of mexican teenagers, *International Journal of Criminal Justice Sciences*, 8(2), 198-214.
- Fredricks JA, Eccles JS. (2008). Participation in extracurricular activities in the middle school years: Are there developmental benefits for African American and European American youth?, *Journal of Youth and Adolescence*, 37: 1029–1043.
- Ford, D. & Lerner, R. (1992). Developmental systems theory: An integrative approach, Newbury Park, CA: Sage.
- Gershoff ET, Grogan-Kaylor A (2016). Spanking and child outcomes: Old controversies and new meta-analyses, *Journal of Family Psychology*, Advance online publication.
- Grasmick, H.; R. Bursik & B. Arneklev. (1993). Reduction in Drunk Driving as a Response to Increased Threats of Shame, Embarrassment, and Legal Sanctions, *Criminology*, 31: 41-67.
- Hirschfield, P.J., & Gasper, J. (2011). The Relationship between School Engagement and Delinquency in Late Childhood and Early Adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 40, 3–22.
- Hoeve, M., Dubas, J.S., Eichelsheim, V.I., van der Laan, P.H., Smeenk, W. & Gerris, J.M.R. (2009). The Relationship between Parenting and Delinquency: A Metaanalysis, *Journal of Abnormal Child Psychology*, 37, 749–775.

- Holt, T.J., Bossler, A.M. & May, D.C. (2012). Low self-control, deviant peer associations, and juvenile cyberdeviance, *American Journal of Criminal Justice*, 37(3), 378-395.
- Huaqing C, Kaiser AP. (2003). Behavior problems of preschool children From Low-Income Families: Review of the Literature, *Topics in Early Childhood Special Education*, 23: 188- 216.
- Jones, Sh.E., Miller, J.D., Lynam, D.R. (2011), Personality, antisocial behavior, and aggression: A meta-analytic review, *Journal of Criminal Justice*, 5, 1-9.
- Li, L., Lin, X., Chi, P., Heath, M.A., Fang, X., Du, H., & Wang, Z. (2016). Maltreatment and emotional and behavioral problems in Chinese children with and without oppositional defiant disorder: The mediating role of the parent-child relationship, *Journal of Interpersonal Violence*, 12, 1-25.
- Lund, J.L., Day, K.L., Schmidt, L.A., Saigal, S., & Lieshout, R.J.V. (2016). Adult mental health outcomes of child sexual abuse survivors born at extremely low birth weight, *Child Abuse & Neglect*, 59, 36-44.
- Lahey BB, Applegate D, Chronis AM, Jones HA, Williams SH, Loney J, Waldman ID. (2008). Psychometric characteristics of a measure of emotional dispositions developed to test a developmental propensity model of conduct disorder, *Journal of Child Clinical and Adolescent Psychology*, 37:794-807.
- Meier MH, Slutske WS, Arndt S, Cadoret RJ. (2008). Impulsive and callous traits are more strongly associated with delinquent behavior in higher risk neighborhoods among boys and girls, *Journal of Abnormal Psychology*, 117: 377-385.
- Murteira Morgadoa, A., da Luz Vale-Dias, M. (2016). Adolescent antisocial behaviour: A comparative analysis of male and female variables related to transgression, *2nd International Conference on Health and Health Psychology*.
- O'Campo, P.; Salmon, C.; & Burke, J. (2009). Neighbourhoods and mental well-being: What are the pathways?, *Health and Place*. (15) 1: 56-68.
- O'Campo, P.; Wheaton, B.; Nisenbaum, R.; Glazier, R.H.; Dunn, J.R. & Chambers, C. (2015). The Neighbourhood Effects on Health and Well-being (NEHW) study, *Health and Place*, 31: 65-74.

-
- Pardini, D., Waller, R. & Hawes, S. (2015). Familial influences on the development of serious conduct problems and delinquency, In J. Morizot & L. Kazemian (Eds.), *The development of criminal and antisocial behaviour*, 201-220.
- Patton, J.H. & Stanford, M.S. (1995). Factor structure of the Barratt impulsiveness scale, *Clinical Psychologys*, 51, 768-774.
- Sawyer, A.M., Borduin, C.M., Dopp, A.R. (2015). Long-term effects of prevention and treatment on youth antisocial behavior: a meta-analysis, *Clin. Psychol. Rev.*
- Sarah-Jeanne Salvy,a, Denise M. Fedab, Leonard H. Epstein,b and James N. Roemmichc (2017). The social context moderates the relationship between neighborhood safety and adolescents' activities, *Prev Med Rep.* 2017 Jun; 6: 355-360.
- Simons-Morton, B. & Chen, C. (2009). Peer and Parent Influences on School Engagement among Early Adolescents, *Youth Soc*, 1; 41(1): 3–25.
- Sirin SR, Rogers-Sirin L. Exploring school engagement of middle-class African-American adolescents, *Youth and Society*, 2004; 35:323–340.
- Tangeny, J.P., & Baumeister, R.F. (2004). High self-control predicts good adjustment, less pathology, better grades, and interpersonal success, *Journal of Personality*, 72, 271-322.
- Vazsonyi, A.T., Pickering, LL.E., Junger, M., Hessing, D. (2001). Empirical test of a General Theory of Crime: A four-nation comparative study of Self-Control and the prediction of deviance, *Journal of Research Crime and Delinquency*, 38, 91-131.
- Vazsonyi, A. & Belliston, L.M. (2007). The Family → Low, Self-Control → Deviance: A Cross-Cultural and Cross-National Test of Self-Control Theory. *Criminal Justice and Behavior*, 34, 505-530.
- Weimann H., Bjork J., Rylander L., Bergman P., Eiben G. Neighborhood environment and physical activity among young children: a cross-sectional study from Sweden, *Scand. J. Public Health*, 2015; 43(3):283–293.
- Wen, M.; Fan, J.; Jin, L. & Wang, G. (2010). Neighborhood effects on health among migrants and natives in shanghai, China, *Health and Place*, (16): 452-60.
-

- Waxman, S.E. (2009). A Systematic Review of Impulsivity in Eating Disorders, *Impulsivity in Eating Disorders*, Rev. 17, 408-425.
- Walthal, J.C., Konold, R.T. & Pianta, C.R. (2005). Factor structure of the social skills rating system across child gender and ethnicity, *Journal of Psychoeducational Assessment*, 23, 201-215.
- Wong, S.K. (2005). The effects of adolescent activities on delinquency: A differential involvement approach, *Journal of Youth and Adolescence*, 34, 321-333.

